

SID



کاسه، نقاشی آبی و مشکی زیر لعاب،
نابین، ارتفاع ۸، قطر ۲۲ سانتی متر،
سده ۱۲-۱۹، اوایل ۱۹، ماخذ: Fehervari
2000,294



جستاری بر سفال گامبرون

شیوا شادلو* دکتر امیر حسین چیت سازیان**

تاریخ دریافت مقاله : ۹۰/۷/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله : ۹۰/۱۱/۲۶

چکیده

سفال و هنر سفال‌گری در ایران پیشینه زیادی دارد و بخشی از تاریخ درخشان ایران را نمایان می‌سازد که خود به تنهایی گویای شرایط، روابط، فرهنگ و تمدن جامعه زمان خود است. سفال گامبرون به عنوان نوعی از سفالینه‌های ساخته شده در دوره صفوی جایگاهی ویژه در تاریخ سفال ایران دارد و هنوز از بسیاری جنبه‌ها، به آن توجه نشده است. هدف اصلی این پژوهش شناسایی و معرفی ویژگی‌های سفال گامبرون است. برای این منظور و جهت ایجاد تحول و رسیدن به نوآوری در عرصه هنر و صنعت سفال‌گری ضروری است مطالعه و تحقیقات بیش‌تری در این زمینه صورت گیرد و ضمن آشنایی با سفال این منطقه، جلوه‌های افزون آن‌ها نیز آشکار گردد. روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد تأثیر در کشورهای دیگر در این زمینه بسیار اندک بوده و ذوق هنرمندان سفال‌گر در این دوره از تاریخ ایران بسیار چشمگیر و قابل توجه بوده است.

واژگان کلیدی

هنر سفال‌گری، سفال گامبرون، دوره صفویان، بدنه سفید، تأثیرات چین.

Email: shivashadoo@yahoo.com

Email: Chitsazian@kashanu.ac.ir

*کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشکده هنر معماری کاشان، شهرکاشان استان کاشان

**استادیار دانشکده معماری کاشان، شهرکاشان، استان کاشان

www.SID.ir

مقدمه

بررسی میراث هنری به جا مانده از پیشینیان ما ایرانیان جنبه‌های ناگفته فراوانی دارد که برخلاف پژوهش‌ها و مطالعات صورت گرفته، نشان می‌دهد همچنان راه‌های نرفته بسیاری در این زمینه وجود دارد. نگرشی برسوابق هنر سفال‌گری و سفالینه‌های باقی مانده، پرسش‌های بسیاری را پیش روی کسانی که با این هنر آشنایی دارند، قرار می‌دهد. از جمله، سفال گامبرون که ساخت آن مربوط به دوره صفویان می‌باشد و از آن دسته سفالینه‌هایی است که با شکل و ظاهری مختص به زمان خود، نیاز به بررسی‌های بیش‌تری دارد. دوره پدید آمدن این نوع سفال یعنی عصر صفویان در شکل‌گیری و جهت‌دهی شکل و نقش و سایر ویژگی‌های آن تاثیر زیادی داشته است.

به عنوان مثال تجارت و مراودات بسیاری که در این عصر با ملل مختلف انجام می‌شد، در ساخت آن بی‌تاثیر نبوده است. از ویژگی‌های این سفال، بدنه‌های سفیدی است که در نگاه اول ظرافت و لطافت پرداخت آن، چنان نمود پیدا می‌کند که توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. این پژوهش با توجه به آثار فراوان و با ارزش سفالی که از دوره صفویان به جامانده، و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و روش جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای است. هدف این پژوهش پاسخ به این پرسش‌های زیر است:

۱- سفال گامبرون چه تزئینات و سبکی دارد؟
۲- نوع ظروف سفال گامبرون و همچنین شکل آن‌ها چگونه است؟

۳- آیا نمونه‌های مشابه این نوع ظروف تا پیش از این در ایران ساخته شده است؟

به این منظور ابتدا هنر صفویان از جمله سفال و ویژگی‌های آن بررسی می‌شود و سپس محل ساخت احتمالی و تاثیرات عوامل گوناگون در سفال گامبرون مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

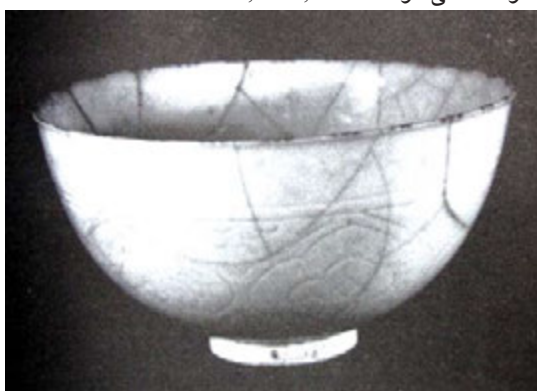
هنر صفویه

سرزمین ایران با پیشینه‌ای درخشان و طولانی همواره مهد پیدایش، رشد و شکوفایی انواع مختلفی از هنر و صنعت در ادوار مختلف تاریخی، از سالیان پیش تا کنون بوده است. در دوره صفویان شاهد خلق آثار هنری و فرهنگی باشکوهی هستیم که نشان از ذوق و مهارت ایرانیان در شکل‌گیری آن‌ها دارد. آثاری که هر یک زینت بخش موزه‌های جهان است و معرف فرهنگ و هنر نیاکان ما می‌باشد. در دوران اسلامی، با ایجاد پیوستگی بیش‌تر بین ملل گوناگون، آثاری خلق شدند که ترکیبی از هنر مردم مختلف است. به عبارت دیگر اسلام نقش موثری در تکامل و توسعه اغلب هنرها در تمامی ادوار اسلامی، به ویژه عهد صفویه داشته است. حمایت شاهان صفوی از هنرمندان و فراهم آوردن محیطی مناسب برای خلق آثار هنری همواره تاثیر گذار بوده است.

در کتاب تاریخ صفویه می‌خوانیم: «حتی سلاطین هم



تصویر ۱- کاسه، معرف به سفالینه گامبرون، باتزئینات مشبک‌کاری، ایران، دوره صفوی، اواخر سده ۱۱-۱۷ یا اوایل سده ۱۲-۱۸، ارتفاع ۸/۸، قطر ۲۰ سانتی‌متر، ماخذ: Fehervari, 2000, 293



تصویر ۲- کاسه، معرف به گامبرون، اواخر سده ۱۳-۱۹، ارتفاع ۷/۹، قطر ۱۶/۸ سانتی‌متر، ماخذ: توحیدی، ۱۳۸۶، ۳۶۲

ارزش زیادی برای هنرمندان قائل بوده‌اند و گاه برای احترام به آن‌ها، آداب و رسوم درباری را رعایت نکرده‌اند، نوشته‌اند که شاه طهماسب، گاهی شب‌ها در کنار آقا میرک نقاش می‌نشست و شمع به دست می‌گرفت تا او به کار نقاشی خود ادامه دهد. البته باید یادآور شد که پیشرفت هنر در عهد صفویه را باید در نتیجه فعالیت‌های شاه عباس دانست که پادشاهی هنردوست و هنرپرور و مشوق هنرمندان بوده است». (تاجبخش، ۱۳۷۸، ۱۰)

از طرفی دولت در این دوره سعی در ارتقاء سطح رفاه و آسایش مردم و به ویژه از طریق رشد تجارت داشت. در جهت نیل به این هدف «هم‌زمان دولت به تشویق هنرهای بسیار اقتصادی نیز که به درد تجارت بخورند، نظیر هنرهای سفال‌گری، نساجی و قالی‌بافی همت گمارد. در روزگار شاه عباس این هنرها که به طور عمده صنایعی حکومتی بودند، درست با همان عمدیتی [آعمدی] ترویج می‌شدند که کولبر تولیدات پارچه و سفال را در فرانسه دوران لویی چهاردهم تشویق می‌کرد». (ولش، ۱۳۸۵، ۲۳)

این موضوع گویای این است که شاه‌عباس تا حد زیادی در اندیشه ترویج و توسعه این نوع هنرها در جهت رونق تجارت بوده و در نظام وی بیش‌تر هنرهای اقتصادی رونق یافتند تا هنرهای ناظر بر زیبایی شناسی شخصی.

جنبه تجاری داشته و هم در جهت تامین رفاه مردم بوده است. البته این تقلید صرف نبوده بلکه بنا به شرایط محیط تغییر کرده و با وجود شباهت به سفالینه‌های ممالک دیگر (از جمله خاور دور و عثمانی) کاملاً از آن‌ها متمایز است.

«آن چه معروف است این است که شاه عباس (کبیر) عده زیادی از خرف سازان چینی را با خانواده‌های‌شان برای ترویج و تعلیم چینی سازی به ایران آورد و به این وسیله قصد داشت اولاً این صنعت را در ایران رواج دهد و ثانیاً ایرانیان مقادیر زیادی از آن را به خارج بفرستند و به این واسطه اموال زیادی که برای خرید آن به خاور دور (چین) می‌رفت عاید ایران گردد و ظاهراً این عده از صنعتگران در اصفهان سکونت کرده‌اند و طولی نکشید که اخلاق و عادات محیط و یا به عبارت آخری آب و هوا در آن تاثیر کرده و در آثار صنعتی آن‌ها بعضی موضوع‌های تزئینی ایرانی داخل شده و یا به طور واضح‌تر صنعت آن‌ها لباس ایرانی در بر کرده و به شکل محیط درآمده است.» (محمدحسن، ۱۳۶۳، ۲۲۲)

در میان آثار تولیدشده این دوره، کاشی‌های لعاب دار بی‌نظیری به چشم می‌خورد که با مهارت کامل به وجود آمده و پس از گذشت قرن‌ها، درخشش و زیبایی خود را از دست نداده‌اند. علاوه بر این «کوزه‌گران صفوی به تقلید کورکورانه از الگوها و سبک‌های دوران قبل نپرداختند، بلکه انواع جدیدی از محصولات سفالین را تکامل داده و قوه تخیل و ابتکار خود را به کار انداختند.» (سیوری، ۱۳۸۶، ۱۳۹)

در این زمان ایران وارد دوره جدیدی شد و آثار هنری آن نسبت به گذشته اشرافی‌تر و مجلل‌تر جلوه می‌نمود. ارتباط نزدیک با سایر کشورها اعم از چین، عثمانی و اروپا در این عهد از جمله عوامل ایجاد تنوع و چندگونگی در پدید آمدن سفال صفوی است. دسته‌بندی دیگری که این موضوع را تایید می‌کند از این قرار است:

- ۱- ظروف کوباچی و ایزنیک
- ۲- ظروف سفالین براق نقاشی شده (گل و مرغ)
- ۳- ظروف سفالی سفید رنگ، معروف به گامبرون
- ۴- ظروف معروف به آبی و سفید
- ۵- ظروف رنگ آمیزی شده چندرنگ و تک‌رنگ ساخت کرمان (سلادون)
- ۶- انواع مختلف محلی (توحیدی، ۱۳۸۶، ۲۸۴)

البته هر یک از موارد دسته بندی دوم، می‌تواند در طبقه بندی ذکر شده قبلی هم قرار گیرد. در این جا از توضیح موارد بالا خودداری کرده و به آنچه که به حیطه پژوهش مربوط می‌شود، بسنده می‌نمائیم.

دکتر زکی محمد حسن در کتاب «تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام» ضمن توضیح ویژگی‌های سفال دوره صفوی می‌نویسد: «در این دوره ظرف سازان ایران عموماً و اصفهان به ویژه در به کار بردن رنگ زرد موفقیت شایانی داشته‌اند و در به کار بردن یک رنگ تنها در ظروف نیز پیشرفت مهمی کرده‌اند و به طوری در آن مهارت داشته‌اند که با کمال دقت



تصویر ۲- کاسه، بدنه سفید، نقوش کنده کم عمق، دیواره‌ها مشبک با شکل منحنی، هاشور و هاشور متقاطع بین نواها، پوشیده با لعاب سایه‌ای از سبز، ارتفاع ۹/۲ قطر ۲۱ سانتی متر، ۱۱۴۲-۱۰۶۷، ق، ۱۷۲۵-۱۶۵۰ م، ماخذ: پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ۸۱۱

چنانچه در کتاب شاه عباس و هنرهای اصفهان می‌خوانیم: «عباس از سویی می‌خواست برای ایران بازارهای هنر مختص به خود درست کند، آن هم تا حدی لاقلاً از راه تقلید محصولات فرهنگ‌های دیگر، چه چینی و چه عثمانی و از سوی دیگر می‌خواست از بازارهای وطنی حمایت کند، زیرا خود ایرانیان هم آشکارا به سفالینه‌های ساخت چین تمایل پیدا کرده بودند. از همین رو، در شهرهای بزرگ سراسر ایران به تشویق و حمایت دولت کارگاه‌های تولید منسوجات، سفالینه و قالی بر پا شد.» (ولش، ۱۳۸۵، ۲۴)

به نظر می‌رسد شاه عباس از آنان به عنوان منابع اقتصادی یاد می‌کرده و شکل آن‌ها بیش تر تابع نیازهای تجاری شان بوده است. در دوره صفویه، ایران وارد دوره جدیدی از شکوه و عظمت شد و نسبت به ادوار قبل اشرافی‌تر می‌نمود. ناگفته نماند که تداوم این سلسله و استحکام جنبه‌های مذهبی و رسمی شدن مذهب تشیع در این زمان موجب تقویت و تحکیم سنت‌های هنری آن گردید. چنین گرایش‌هایی در زمینه سفال‌گری هم در این عصر پدید آمد.

سفال در عصر صفویه

سفال و هنر سفال‌گری در ایران زمین، همواره مورد توجه مردمان این دیار بوده و هنرمندان در هر عصری، سعی در ارائه روش‌های جدید و متفاوت داشتند. هنری که در همه موارد اعم از شیوه ساخت، طرح، نقش، شکل و غیره همچنان قابل بررسی و مطالعه است و حرف‌های ناگفته فراوان دارد. سفال سازی در سراسر این دوره پیشرفت و رونق چشم‌گیری داشت به طوری که اشکال بدیع، متنوع و بسیار ظریف و ممتاز پدید آمد. بخشی از سفالینه‌های این دوره را می‌توان چنین دسته بندی کرد:

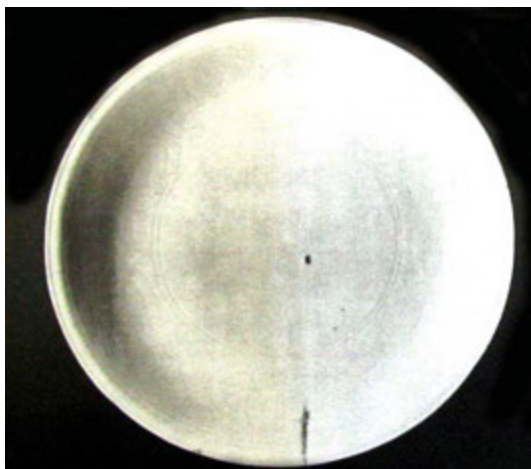
الف) سفال‌هایی خاص با تزئینات مشابه، نگارگری و نقش قالی‌ها و منسوجات صفوی.

ب) سفالینه‌های وارداتی یا ساخته شده به تقلید از ظروف چینی دوره مینگ. (کامبخش فرد، ۱۳۸۰، ۴۷۲)

ترویج ساخت سفالینه‌های مشابه ظروف چینی، هم



تصویر ۵- کاسه، بدنه سفید، مشبک شده، قطر ۸-۱۱ سانتی متر، موزه بریتانیا، معروف به سفالینه گامبرون، ماخذ: همان، ۸۱۱



تصویر ۶- کاسه، بدنه سفید، منقور، قطر ۲۲/۸ سانتی متر، سده ۱۲-۱۸، موزه ویکتوریا و آلبرت، معروف به سفالینه گامبرون، ماخذ: پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ۸۱۱

متنوع و فراوان است که همواره هنرمندان سفال گر از ابتدا تا آن زمان در پی آن بوده‌اند. منابع مختلف، اصفهان، کاشان، یزد، مشهد، شیراز، کرمان و زرد را از بزرگ‌ترین مراکز سفال در ایران عصر صفوی می‌دانند. نمونه‌های مختلف شهرهای آن امروزه در موزه‌های ایران، موزه ویکتوریا و آلبرت و موزه اسلامی برلن موجود است.

سفال گامبرون

این نوع سفال متعلق به منطقه گامبرون است. با شنیدن نام گامبرون این پرسش پیش می‌آید که دلیل این نام گذاری آن هم بر نوع خاصی از سفالینه‌های ایران چیست؟ برای پاسخ به این سؤال نیاز به ارایه پیشینه این ناحیه است.

«گمپرون نام قدیم بندر عباس کنونی است، نام این آبادی یا شهر که در مجاورت بندر «سور» قرار داشته و شهرک آباد و تجاری ناحیه جرون بوده است، به نام‌های گمپرون، گمپرون، کامرون، گامرون، گمپرو و گمرو ثبت شده و مولف کتاب بندرعباس و خلیج فارس نوشته است: «چنان‌که سرجان ملکم نگاشته در ایام نفوذ و اقتدار پرتقالی‌ها اسم آن بندر گامپرون بود پس از آن‌که شاه عباس اول پادشاه هفتمین از خاندان صفویه به تقویت انگلیسی‌ها در سال ۱۶۲۲ م-۱۰۳۹ هـ.ق آن را از تصرف آن‌ها خارج نمود، اسم خود را بر آن گذاشت و به بندرعباس موسوم داشت^۱». (اقتداری، ۱۳۴۸، ۵۳۸-۵۳۷)

همان‌طور که اشاره گردید زمانی که این بندر در تصرف پرتقالی‌ها بود گمپرون نامیده می‌شد اما پس از آن‌که توسط شاه عباس از دست آن‌ها شد بندرعباس نام گرفت. اما این بندر چه کار کردی داشته است؟ «گمپرون یا گمرون و یا گمرو به روزگار امراء هرمز کهنه که امروز میناب خوانده می‌شود و در پهنه جرون که از بندر میناب تا اطراف خمیر را در برمی‌گرفت، حکومت داشتند، شهر و بندری بود که مسافران اقیانوس هند و داد و ستد و کالای به آن رونق

آن را استعمال می‌کردند و درمتهای صافی و شفافی از کاربرد می‌آورده‌اند به طوری که از دیدن آثار آن‌ها و مهارتی که در این راه نصیب شان شده است بی‌اختیار شخص به یاد ظرف سازان چینی و مهارتی که در این میدان داشته‌اند می‌افتد». (محمدحسن، ۱۳۶۳، ۲۲۰)

مهارت و چیره دستی سفال‌گران این دوره را می‌توان به وضوح در دقت و ظرافت به کار رفته در دست ساخته‌های شان دید. اما در مورد رنگ‌های مورد استفاده در سفالینه‌ها باید گفت طیف وسیعی از رنگ‌ها و البته رنگ‌های جدید در بستر سفال به کار رفته که در نوع خود متفاوت است، به طوری که پوپ می‌گوید: «طیف تازه رنگ‌های لطیف که یافته‌های این دوره را متمایز می‌سازد در حوزه خود تا حدی با هنر سفالینه همانندی داشت. تنوع فراوانی از تفاوت‌های جزئی را در ته رنگ‌های نامحسوس و آرام می‌یابیم: رنگ خاکستری مایل به ارغوانی روشن؛ انواع رنگ‌های سبز، تغییرات متنوع و گسترده ای از سایه‌ها به سایه ای زرد فام، یا از سبز زمردی تیره تا سبز سفید فام، انواع رنگ‌های آبی». (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ۱۸۷۵ و ۱۸۷۴)

به نظر می‌رسد در این دوره کاربرد ظروف تا حدی تغییر کرده، به طوری که سرامیک‌ها را جهت تزئین و آراستن کاخ‌ها و منازل تهیه می‌کردند تا برای مصرف روزمره. «در یکی از این کاخ‌ها یعنی کاخ عالی قاپو، اتاقی است که با رف‌هایی احاطه شده، درون هر رف با اشکال کاسه و کوزه تزئین یافته است. راهنمایانی که سیاحان را گردش می‌دهند از تعریف درباره آن‌ها خوشحال می‌شوند و این در واقع صافی و سادگی را می‌رساند و آن را باید به حساب کنجاوی گذاشت تا آثار هنری». (تالپوت، ۱۳۸۶، ۲۶۲) به‌طور کلی در دوره صفویه شاهد احیای جالب توجهی در هنر سفال‌گری هستیم و در عین حال هیچ‌گونه تقلیدی از سنت‌ها دیده نمی‌شود.

مهارت در این کار، مربوط به لعاب‌ها و استعمال رنگ‌های

۱- بندرعباس و خلیج فارس، سیدالسلطنه بندرعباسی، ۱۵۳-۱۵۲، چاپ تهران، ابن سینا، ۱۳۴۲



تصویر ۶- کاسه پایه دار منقوش، بدنه سفید با نقاشی زیر لعاب آبی و مشکی، ارتفاع ۱۰/۶، قطر ۲۰/۷ سانتی متر، ناین (معروف به سفالینه گامبرون)، ۱۱۴۲-۱۰۱۷ هـ. ۱۷۲۵-۱۶۰۰ م. ماخذ: www.collections.vam.ac.ir

می‌بخشد، به روزگار تسلط پرتقالی‌ها گامبرون بندر کوچکی بر ساحل خلیج فارس بود که محل انبار و لنگرگاه کشتی‌های پرتقالی بود» (همان، ۵۴۲)

پس می‌توان نتیجه گرفت گامبرون تنها، بندری در جنوب ایران بوده که داد و ستد در آن صورت می‌گرفته و حالت گذرگاهی داشته و سابقه سفال‌گری در آن زمان نداشته است. علت نام گذاری گامبرون بر نوع ویژه ای از سفالینه‌ها این بوده که از این بندر به اروپا و دیگر کشورها ارسال می‌شده و در حقیقت آن جا محلی برای ارسال این ظروف بوده اما مکان ساخت سفال گامبرون آن جا نبوده است. برای روشن شدن موضوع باید بیش تر با این نوع سفال آشنا شد.

دکتر زکی محمدحسن پیشینه ارتباط چین و دنیای اسلام را مربوط به دوران حکومت خاندان تانگ یعنی از ۳۵ تا ۲۲۳ هجری قمری ۶۱۸ تا ۹۰۶ میلادی می‌داند. وی در این باره می‌نویسد: «منابع چینی وجود گروه‌هایی از مسلمانان را در چین عصر سلطنت خاندان تانگ تأیید کرده‌اند که بیش تر اینان بازرگانانی بوده‌اند که در شهرهای مرزی و بندرها اقامت داشته‌اند و این مایه شگفتی نیست زیرا تجارت میان شرق و غرب تا پایان سده نهم هجری - پانزدهم میلادی در دست مسلمانان بود و بازرگانان مسلمان از خلیج فارس سفر دریایی خود را آغاز می‌کردند و اقیانوس هند را با عبور از جزیره سرندیب (سیلان) و جزایر دریاهای جنوبی در می‌نوردیدند تا به بندرگاه‌های تجاری چین می‌رسیدند» (همان، ۱۶).

پوپ از این نوع سفالینه با عنوان بدل چینی سفید با تزئین مشبک و کنده کاری یا نقاشی سیاه و آبی زیر لعاب نام می‌برد و ذیل آن می‌نویسد: «گروه کوچکی شامل کاسه‌ها و بشقاب‌های بسیار نازک، سبک و شفاف، آشکارا تقلید چینی هستند و در ظاهر و لمس کیفیت آن تقریباً موفق است. یک لعاب عالی با ته رنگ سفید کاهویی دلپذیر با بدنه مشبک که به آن شباهت زیادی به نظیره [مشابه] چینی می‌بخشد» (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ۱۸۸۷)

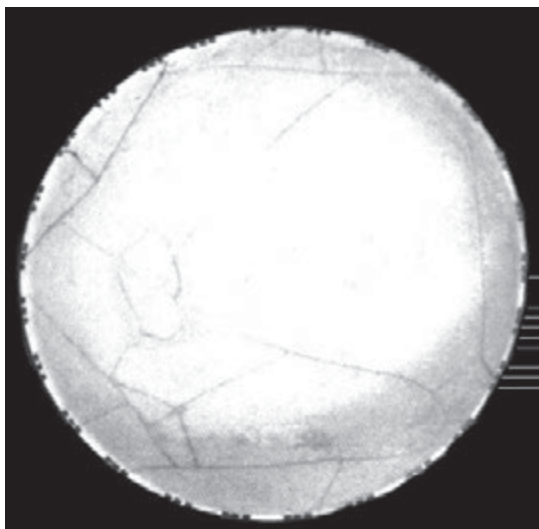
به این ترتیب در عصر اسلامی مصنوعات هنری چینی و تولیدات آن‌ها در سراسر خاور نزدیک ترویج و مورد تقلید قرار گرفت. اما این پیروی از تولیدات هنری چین چنان‌که پیش‌تر نیز گفته شد به‌طور کامل نبوده و اثری از قدرت مسلط چینی‌ها بر دنیای اسلام دیده نمی‌شود. این هم مسیر بودن، گویای علاقه ایرانیان به اسلوب‌های چینی است. نمودهای این دل‌بستگی مسلمانان نسبت به هنر چین و به تبع آن تأثیر چین بر صنایع اسلامی را می‌توانیم در انواعی از سفالینه‌های ساخت مسلمانان مشاهده کنیم. از جمله این موارد «نوع دیگری از سفالینه‌های چینی که مسلمانان به تقلید آن پرداختند سفال سفید خالص (خاک چینی) بود که بشقاب‌ها، کاسه‌ها و ظروف معروف به سلطانی‌را از این جنس

کشور ایران بنا به مقتضیات جامعه در همه ادوار ارتباطاتی با بعضی ممالک داشته است. این ارتباط گاه در جنبه‌ای خاص از جمله سیاسی، نظامی، اجتماعی و یا هنری و فرهنگ صورت می‌گرفت. چین و به‌طور کلی خاور دور از ممالکی است که از سال‌ها پیش از اسلام با ایران ارتباط داشته و تأثیرات و نتایج این روند در آثار هنری ساخته شده در هر یک از این کشورها به‌خوبی قابل مشاهده است.

به‌عنوان نمونه «در این دوران (سده ششم میلادی) بندر سیراف در ساحل شمالی خلیج فارس مرکز توزیع کالاهای ساخت چین در ایران و سرزمین‌های عرب نشین بود و چنان‌که مسعودی نوشته است کشتی‌های چینی از طریق

کشور ایران بنا به مقتضیات جامعه در همه ادوار ارتباطاتی با بعضی ممالک داشته است. این ارتباط گاه در جنبه‌ای خاص از جمله سیاسی، نظامی، اجتماعی و یا هنری و فرهنگ صورت می‌گرفت. چین و به‌طور کلی خاور دور از ممالکی است که از سال‌ها پیش از اسلام با ایران ارتباط داشته و تأثیرات و نتایج این روند در آثار هنری ساخته شده در هر یک از این کشورها به‌خوبی قابل مشاهده است.

به‌عنوان نمونه «در این دوران (سده ششم میلادی) بندر سیراف در ساحل شمالی خلیج فارس مرکز توزیع کالاهای ساخت چین در ایران و سرزمین‌های عرب نشین بود و چنان‌که مسعودی نوشته است کشتی‌های چینی از طریق



تصویر ۹- کاسه سفالی، ارتفاع ۹/۱، قطر ۲۰/۳ سانتی متر، اواخر سده ۱۱هـ- ۱۷م، ماخذ: همان، ۳۶۳

روش ساخت این نوع از ظروف هم به این ترتیب است که سفال گری پس از تهیه گل (بدنه خمیر سنگی) و پرداخت، آن را با ترسیم نقش‌هایی به رنگ سیاه و آبی بر زمینه ظرف و یا دیواره، نقوش اجرا و نقاط مورد نظر را با ظرافت تمام مشبک کرده و در نهایت با لعاب شفاف بی رنگ، پوشش می‌دهد.

ترئینات به کار رفته در سفال گامبرون اغلب ساده و مختصر است و نسبت به بعضی سفالینه‌ها که طرح پرکار و شلوغی دارند، ساده است و نگاره‌ها بسیار لطیف و زیبا طراحی شده‌اند. پوپ طرح‌های روی سفال گامبرون را این‌گونه دسته‌بندی می‌کند: «دو نوع ترئین به کار رفته، طرح‌های ساده مشبک که نوارهای حاشیه‌ای شفاف را به وجود آورده‌اند (تصویر ۳) یا طرح‌های کنده کاری (تصویر ۴) و نقاشی زیر لعاب (تصویر ۵)»

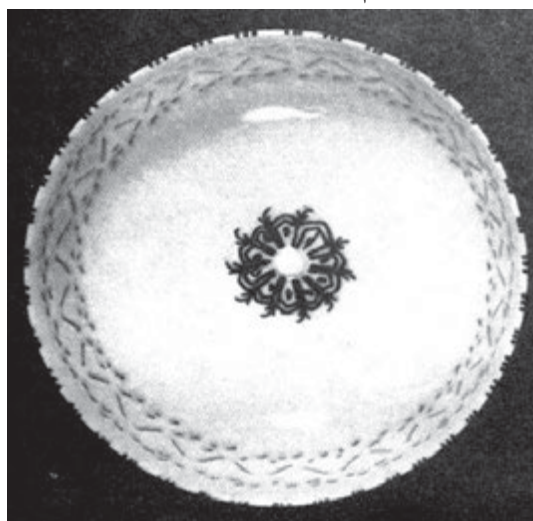
لیه ممکن است تنها مختصر شده باشد یا ممکن است یک شمشه ساده در مرکز قرار داشته باشد که در بسیاری از موارد به یک طرح سراسری گسترش می‌یابد». (پوپ و اگرمن، ۱۳۸۷، ۱۸۸۷) (تصویر ۶)

در تصویر ۷، نمونه‌ای دیگر از سفال گامبرون مشاهده می‌شود که در مرکز یک برجستگی دارای عملکرد است. «باقرار دادن نوک یکی از انگشتان وسط روی سطح زیری برجستگی و یک شصت روی لبه، کاسه به راحتی در یک دست جای می‌گیرد. هنوز این شکل کاربردی در جهان اسلام مورد استفاده می‌باشد و بازگشت به ظروف آبخوری یونانی و هخامنشی است». (from, 2008, 118)

گزاره‌وری در کتاب خود به نام «سفال‌گری جهان اسلام در موزه طاروق رجب کویت» ضمن معرفی این نوع سفالینه دوره صفویان، در مورد ترئینات سفال گامبرون، به ظروف مشبک نگاهی ویژه دارد و می‌نویسد:



تصویر ۷- کاسه منقوش، بدنه سفید، قطر ۲۰/۳ سانتی متر، ۱۲۱۷- ۱۷۰۰-۱۶۰۰م، ماخذ: from, 2008, 118



تصویر ۸- کاسه لعاب دار با خطوط مشکی روی زمینه سفید، قطر ۱۴ سانتی متر، اواخر سده ۱۲هـ- ۱۸م، ماخذ: توحیدی، ۱۳۸۶، ۳۶۲

می‌ساختند و لبه‌های آن‌ها را با قوس‌های متقابل به شکل زیبایی در می‌آوردند. یکی از فرآورده‌های سفال‌گران ایرانی در عصر صفوی نوعی از ظروف ساخته شده از سفال سپید بود که آن را به تقلید از سفالینه‌های چینی می‌ساختند و نقوش و ترئینات آن به رنگ آبی سیر (کبود) در زیر لایه‌ای از لعاب دیده می‌شد. (همان، ۴۸-۴۷)

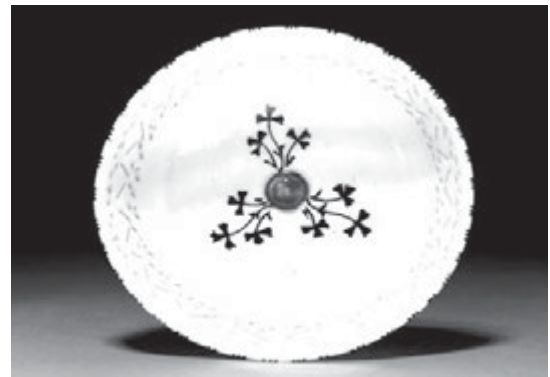
هنرمندان ایران با مشاهده ظروف چینی نه تنها از اسلوب ساخت، جنس، نقش و رنگ آن‌ها پیروی کردند، بلکه به شکل آن‌ها نیز دقت کرده و شیفته آن شدند. تا جایی که شکل ظروف هم مشابه ظروف تولید شده در چین است. با توجه به موضوع مقاله یعنی سفال گامبرون در همین راستا گویای تاثیراتی از خاور دور می‌باشد که در نقش، جنس و شکل ظروف جلوه گر است.

در کتاب‌هایی که به تعریف این نوع ظروف پرداخته‌اند، همه به ظرافت و سبک بودن آن اشاره کرده و بر این باورند «گامبرون شاید ظریف‌ترین سفالینه‌ای است که تا به حال در ایران از بدنه فریتی^۱ سفید فشرده و محکمی ساخته شده که خیلی نزدیک به پرسلان چینی است». (Fe- hervari, 2000, 292) شاید یکی از دلایلی که این سبک از ظروف را تقلید از سفال چینی می‌دانند ظرافت و نیز شباهت آن به پرسلان چینی باشد.

۱- بدنه فریتی یا خمیرسنگی مخلوطی از کوارتز خرد شده با کمی خاک رس سفید و لعاب است.



تصویر ۱۰- کاسه مشبک، نقاشی آبی و سیاه زیر لعاب شفاف، ارتفاع ۵/۳، قطر ۱۵/۲، قطر پایه ۶/۳ سانتی متر، سده ۱۱ تا ۱۲، نیمه دوم سده ۱۷ تا ۱۸ م، ماخذ: www.jameelcentra.ashmolean.org



تصویر ۱۱- کاسه سفالینه لعاب دار سفید به تقلید از تانگ، سده ۴هـ - ۱۰م، قطر ۱۸ سانتی متر، مجموعه جی ای، بارلو، ماخذ: پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ۵۸۹

سفالینه خوب در شیراز ساخته می شود و حدود ۳۰۰ میل به گمبرون نزدیک تر است تا به نایین، بنابراین بسیاری از سفالینه گمبرون ممکن است در شیراز ساخته شده باشد. با این حال امکان دارد سفال گران کوره ها را در آن جا مستقر و اداره کرده باشند که بعدها زمانی که تجارت خارجی پایان یافته آن کوره ها را به دست زوال سپرده اند» (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ۱۸۸)

پوپ با در نظر گرفتن این موضوع احتمال می دهد نایین یا شیراز یکی از مکان های ساخت سفال گامبرون باشند. البته گزاره روری نیز نتوانسته با قطعیت به این سؤال پاسخ دهد. زیرا وی نیز در کتابش آورده است: «مکان حقیقی ساخت شناخته شده نیست. چندین پیشنهاد برای یک مرکز احتمالی از قبیل شیراز، یزد، کرمان یا اصفهان وجود دارد اما برای تعیین آن هیچ مدرک تاریخی برای حمایت از این ادعاها وجود نداشت» (Fehervari, 2000, 292). درباره زمان ساخت سفالینه گامبرون نیز باتوجه به نمونه های موجود باید گفت «سفالینه گمبرون مربوط به نیمه دوم سده هفدهم است و تولید آن تا سده نوزدهم ادامه یافت. نمونه هایی از سفال های مربوط به آن دوره نیز موجود است. یکی از آن ها کاسه بزرگی است که مربوط به ۱۲۲۲ هـ. ق - ۱۸۰۷ م

تاثیر گزارترین ظروف آن هایی هستند که تزئینات مشبک دارند» هابسن معتقد است این نوع تزئین که تحت عنوان «پرسلان دانه برنجی» چینی معروف است، در واقع از این ظروف اقتباس شده، زیرا تا زمان سلطنت چین لونگ (۹۵-۱۷۳۶) در آن جا این نوع از پرسلان ساخته نشده است» (Fehervari, 2000, 292)

تصویر ۱۰، نشان می دهد، طرح هایی که به صورت مشبک در آمده اند بسیار ظریف و به شکل خطی می باشند. ظرافت آن ها به حدی است که در پاره ای موارد با پوشش سطح ظرف با لعاب، قسمت های مشبک هم با لعاب پر شده و به صورت شیشه ای در آمده و حالت شفاف دارند به طوری که نور از آن ها عبور می کند.

«سفال گر با ترک وسعت های زیاد فضای سفید، می خواسته به نازکی ظرف هایش تاکید کند. سوراخ های کوچک پر شده با لعاب شفاف روی دیواره این خواسته را بیان می کند» (froom, 2008, 118) به عبارتی مشبک کردن ظروف به عنوان دلیلی برای نشان دادن ضخامت کم آن مطرح شده که دور از ذهن هم نیست.

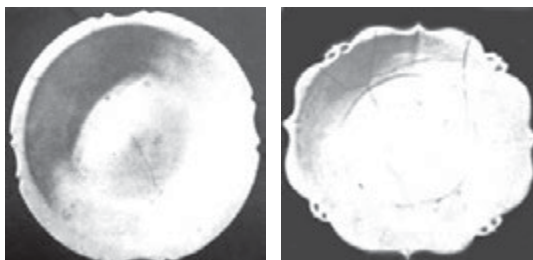
درباره مکان تولید سفالینه های گامبرون باید اذعان کرد برخلاف این تصور که نام این ظروف اشاره به محل ساخت آن ها دارد، دقیقاً مشخص نیست کجا تولید شده اند. اما همان طور که در همین بخش اشاره شد، گامبرون فقط بندری بوده که این سفالینه ها از آن جا به ممالک دیگر ارسال می شده و مکان خلق این آثار نبوده است.

در این باره پوپ ضمن اشاره به این که گامبرون صرفاً بندری در خلیج فارس است، می نویسد: «ظاهراً بازرگانان عمده فروش در آن جا گرد می آمدند، هم چنان که غالباً در تاریخ تجارت، به جای محل اصلی نام محل بازرگاری داده شده است. احتمالاً بخش اعظم این سفالینه در نایین تولید شده که سفالینه اش شهرت طولانی دارد، زیرا نمونه های گمبرون و گونه های خویشاوندی که امروز در ایران یافت شده تقریباً همه از آن جا می آیند و فروشندگان ایرانی آن را فقط تحت این نام می شناسند.

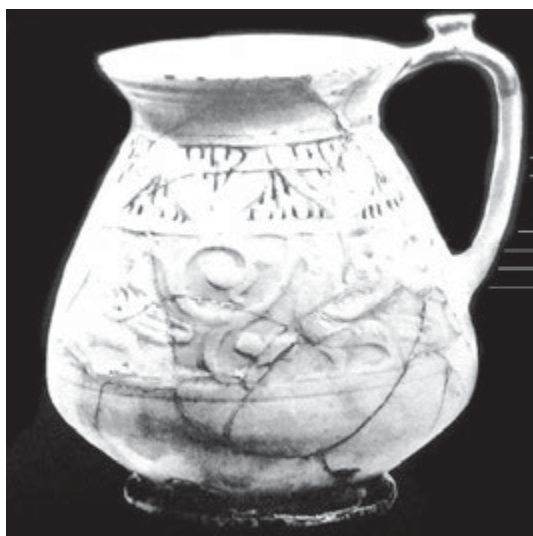
با این حال اظهار نظری از شاردن وجود دارد که می گوید



تصویر ۱۴- آبخوری، سفال لعاب دار سفید حکاکی شده، کاشان یاری، ارتفاع ۱۴/۳ سانتی متر، موزه ویکتوریا و آلبرت، ماخذ: همان، ۵۹۴



تصویر ۱۲- بشقاب‌های کوچک، سفالینه لعاب دار سفید به تقلید از تانگ، سده ۴ میلادی، ماخذ: همان، ۵۸۹



تصویر ۱۳- پارچ، سفال لعاب دار سفید حکاکی شده، ارتفاع ۱۳/۳ سانتی متر، کاشان، سده ۵، ۱۰ یا ۱۱، موزه هنری متروپولیتن، ماخذ: همان، ۵۹۳

نازل تر است، حس زیبایی بیش تری در آن‌ها دیده می‌شود. آیا سفالینه جدیدگسترشی مداوم و قطع نشده در دوره میانه را نمایش می‌دهد؟ آیا تداوم تولید در یکی از مراکز است؟ هنوز شواهد قاطعی در دست نیست که بتوان بر پایه آن‌ها پاسخ یافت». (همان، ۱۸۸۷)

بدیهی است با این نقل قول پرسش‌های تازه‌ای به وجود می‌آید و مساله چگونگی ارتباط بین آن‌ها مطرح می‌شوند. البته مشابه این سفالینه‌ها، موارد دیگری هم وجود دارند که با دیدن آن‌ها پی به شباهت شان می‌بریم. از سوی دیگر گروهی به وجود نوعی حالات تامل و مراقبه و لذت عرفانی نهفته در سفالینه‌های گامبرون و همین طور ظروف مشابه معتقدند. «اما یک گروه بشقاب به احساسی از همین دست مداومت می‌بخشد. این بشقاب‌ها فقط با دقتی تقریباً نامشهود زیر لعاب کنده شده‌اند. لبه و پایه با دقت پرداخت شده و تمام ظرف اشتیاق به تکامل را نشان می‌دهد، کوتاه سخن این که این نمونه‌ها ارزش آن را دارند که در ردیف ظروف مشابه دوره سونگ قرار گیرند.

آن‌ها ثابت می‌کنند که حتی در این عصر جسارت و هیجان، لذت تأمل محض فراموش نشده بود. عرفان دینی و شاعرانه متصوفه در این زمان در میان طبقات فرهیخته ایران عمیقاً نفوذ کرده بود و نمونه‌ای مانند کاسه ویکتوریا و آلبرت (تصویر ۴) احساسات صوفیانه را به تمام و کمال ابراز می‌کند». (همان، ۱۸۸۸، ۴)

گزا فهوری در کتابش به ظروف دیگری اشاره می‌کند. که مشابهت زیادی با سفال گامبرون دارند و دلایل خود را این چنین مطرح می‌کند. این نوع از سفالینه هم جزء آن دسته

می‌باشد. نمونه دیگر کاسه‌ای است متعلق به ۱۲۳۴ هـ. ق - ۱۸۱۸ م با امضاء محمدعلی این هنرمند نباید با علی محمد که در اصفهان و تهران در طول چند دهه گذشته در سده ۱۹ کار می‌کرده، اشتباه گرفته شود». (همان، ۲۹۲) به عبارتی از سده ۱۱ هجری قمری - ۱۷ میلادی تولید آن آغاز شده است. «بهترین نمونه‌ها متعلق به سده ۱۱ هجری است. اما چند نمونه تاریخ دار، ادامه تولید را تا سده ۱۲ هجری نشان می‌دهد». (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ۱۸۸۸)

بنابراین محدوده زمانی ساخت سفال گمبرون سده‌های ۱۱ تا ۱۳ هجری - ۱۹ تا ۱۷ میلادی است. از سوی دیگر باید توجه داشت ساخت چنین بدنه‌های فریتی (خمیر سنگی) از قرن‌ها پیش از این نیز در نواحی مختلف ایران رواج داشته و چنین نبوده که سده ۱۱ هجری آغاز به کارگیری این بدنه‌ها باشد. چنانچه در ایران حتی از سده ششم هجری نیز از کاشان بدنه‌های سفید مشابه سفال گامبرون به دست آمده است، اما سفالینه گامبرون تفاوت‌های جزئی با آثاری که از قرن‌ها پیش به دست آمده، دارد.

«ظروف مشابه یافت شده به قدمت قرن‌های پنجم و ششم هجری (تصاویر ۱۴-۱۳-۱۲-۱۱) با همان عناصر، حتی نقشمایه‌هاست و اگر در پخت از نمونه‌های کهن‌تر



تصویر ۱۶- کاسه، نقاشی آبی و مشکی زیر لعاب، نایین، ارتفاع ۸، قطر ۲۲ سانتی متر، سده ۱۳هـ، اوایل ۱۹م، ماخذ: Fehervari, 2000, 294

هم اضافه کرد و اظهار نمود «معروف به سفالینه گامبرون است». یک ارتباط نزدیک بین این دو سفالینه‌ها وجود دارد که شاید پاسخ این پرسش که «در کجای گامبرون ساخته شده، این باشد: در نایین» (Fehervari, 2000, 292)

بنابراین احتمال این که سفالینه‌های گامبرون در نایین تولید شده باشند، دور از واقعیت نخواهد بود. همان طور که اشاره شد این گفته به دلیل شباهت بسیار زیاد سفال نایین به سفالینه‌های مورد پژوهش این مقاله است. البته کتاب‌های دیگر نیز اشاره به ساخت سفالینه‌های بدنه سفید در عصر صفوی و در این ناحیه داشته‌اند. برای مثال «در اوایل قرن دهم هجری تولید و ساخت ظروف سفید و نیمه شفاف در یزد آغاز شد که دارای خمیره نرم و تزئینات چینی‌های دوره مینگ ولی مرغوب‌تر از آن بود. زیرا تزئینات با دو رنگ آبی و آبی و مشکی بر روی آن نقش می‌شد». (کامبخش فرد، ۱۳۸۰، ۴۷۳)

پس به دلیل نزدیکی، ارتباطی بین ظروف سفید تولید شده در یزد و همین ظروف در نایین وجود داشته است. دو نمونه از سفال نایین را در تصاویر ۶ و ۱۶ می‌بینیم.

ذوق، توانایی، مهارت و استعداد بالای هنرمندان دوره‌های پیش از صفویه چنان در وجود هنرمندان این عصر رخنه کرده بود که همواره سعی داشتند آثاری خلق کنند که همان اسلوب و اصول هنر پیشینیان را داشته باشد. به عبارتی احیاء و بازنگری هنرهای به جامانده از گذشتگان در اولویت کار هنری آن‌ها بود. تولیدات آنان چنان بادقت، حوصله و ظرافت اجرا شده که انسان را مجذوب خود می‌سازد. تنوع آثار از دیگر شاخصه‌هایی است که با مشاهده سفال عصر صفوی به چشم می‌آید. هماهنگی موزون، لطافت، ظرافت و کیفیت برتر خود بازتاب نیوخ ایرانیان در هنر سفال سازی و شکوه هنر این مرز و بوم است. نمونه‌های دیگر سفال گامبرون در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود.








تصویر ۱۵- جام سفید حکاکی شده سده ۱۱هـ، ۱۱م، بنوار سیاه کاشان، ارتفاع ۱۲/۲ سانتی متر، موزه ویکتوریا و آلبرت، ماخذ: همان، ۵۹۴

از ظروفی است که دارای بدنه سفیدند و تشابهات دیگری نیز بین آن‌ها و سفالینه‌های گامبرون وجود دارد البته از نظر زمانی هم به یکدیگر نزدیک‌اند. این مهم چنین بیان می‌شود: «نوع دیگری از سفالینه وجود دارد که احتمالاً به طرز نزدیکی با گامبرون مرتبط است و با نام نایین (شهری کوچک در شرق اصفهان) شناخته شده می‌شود. این سفالینه اولین بار توسط پوپ گزارش داده شد. او دو بشقاب را با تاریخ توضیح داده که یکی از آن‌ها تاریخ ۱۲۸۶ هجری قمری - ۱۸۶۹ میلادی و ۱۲۹۰ هجری قمری - ۱۸۷۳ میلادی دارد. اگرچه پوپ در بررسی هنر فارسی اشاره ای به سفالینه‌های نائین نکرده است اما اهمیت زیاد سفالینه‌های نایین به این دلیل است که برای ساخت آن‌ها دقیقاً از نوع سفالینه‌های بدنه سفید فشرده، محکم و گاهی اوقات فوق العاده نازک و سفید که برای سفالینه‌های گامبرون به کار می‌رفت، استفاده می‌شد. سفالینه‌ها همان تزئینات نوع گامبرون را دارد با این تفاوت که نقاشی آبی و سیاه زیر لعاب شفاف و روشن همیشه به فراوانی استفاده می‌شود.

شباهت این سفالینه‌های نایین خیلی نزدیک به گامبرون است به طوری که پوپ یک کاسه پایه دار مشبک با نقاشی آبی و سیاه را به نایین نسبت می‌دهد. اگر چه او یک علامت سؤال

جدول شماره ۱- نمونه‌هایی از سفال گامبرون در موزه ویکتوریا و آلبرت

ردیف	تصویر	نوع ظرف	تزئینات	زمان ساخت	ابعاد
۱		کاسه بدنه سفید، روی یک پایه باریک	دیواره حالت شعله‌سان، نقوش کنده، احتمالاً گامبرون	۱۱۴۲-۱۰۶۷ هجری ۱۷۲۵-۱۶۵۰ میلادی	ارتفاع ۹/۲ قطر ۲۰/۶ سانتی متر
۲		بطری، گلابی شکل	گودشده با کنگره، دارای یک گردن باریک مخروطی شکل، احتمالاً گامبرون	۱۱۶۷-۱۰۶۷ هجری ۱۷۵۰-۱۶۵۰ میلادی	ارتفاع ۱۳/۳، قطر ۸/۹ سانتی متر
۳		بشقاب، بدنه سفید	مشبک و نقاشی زیر لعاب سیاه و آبی به شیوه گل دار، کناره‌ها با سه ردیف مشبک با فاصله، برجستگی مرکزی کوتاه، لبه بانوار سه تایی به طرح نقطه ای، احتمالاً گامبرون	۱۱۴۲-۱۰۶۷ هجری ۱۷۲۵-۱۶۵۰ میلادی	قطر ۱۴/۳ سانتی متر
۴		کاسه، بدنه سفید، کم عمق روی پایه باریک	دیواره مشبک بانقاطی بین فواصل دو ردیف، پوشیده بالعاب شفاف و بی رنگ، احتمالاً گامبرون	۱۱۴۲-۱۰۶۷ هجری ۱۷۲۵-۱۶۵۰ میلادی	قطر ۱۰/۸ سانتی متر
۵		کاسه پایه دار، بدنه سفید	دیواره هابه خوبی مشبک شده بانقاط و خط تیره، پوشیده بالعاب شفاف و سایه ای از رنگ سبز که دهانه را پوشانده، احتمالاً گامبرون	۱۱۴۲-۱۰۶۷ هجری ۱۷۲۵-۱۶۵۰ میلادی	ارتفاع ۱۰/۸، قطر ۱۹/۴ سانتی متر

ارتفاع ۲۵/۴، قطر ۱۴ سانتی متر	۱۱۴۲-۱۰۶۷ هجری ۱۶۵۰-۱۷۲۵ میلادی	شانه پله دار، گردن کشیده بلند با برآمدگی مرکز، (دهانه آسیب دیده)، پوشیده با لعاب شفاف، لعاب سایه ای از رنگ سبز	بطری، بدنه سفید، گلابی شکل		۶
ارتفاع ۲۱/۶ قطر ۱۴ سانتی متر	۱۱۴۲-۱۰۱۷ هجری ۱۶۰۰-۱۷۲۵ میلادی	کنده کاری در گردن، پوشیده با لعاب شفاف، سایه ای از رنگ سبز، احتمالاً کامبرون	گلدان، بدنه سفید، در شانه ها ۴ دهانه شیپور شکل به کار رفته		۷
ارتفاع ۶/۱۴ سانتی متر	۱۱۴۲-۱۰۶۷ هجری -۱۷۲۵ ۱۶۵۰ میلادی	نخل بزنی و نوارهای خطی، پوشیده با لعاب شفاف سایه ای از رنگ سبز، رگه هایی با کبالت، احتمالاً کامبرون	کوزه کروی شکل، با گردن کوتاه مخروطی		۸
قطر ۵/۱۶ سانتی متر	سده ۱۱ هجری ۱۷ میلادی	نقوش کنده با نقشمایه های خطی مکرر سه تایی عریض گل دار، لعاب شفاف بی رنگ	بشقاب		۹
ارتفاع ۲۱/۵، پهنا ۱۸، عمق ۱۳/۵	سده ۱۱-۱۲ هجری نیمه دوم سده ۱۷-۱۸ میلادی	نقش کنده زیر لعاب شفاف	ابریق، بدنه سفید		۱۰
قطر ۱۱/۷ سانتی متر	سده ۱۱-۱۲ هجری ۱۷-۱۸ میلادی	مرکز نقاشی باشاخه های کوچک و گل چهارپرسیاه برگ دار، دیواره با طرح های مشبک و یک سری نقاط سیاه، تذهیب شده	کاسه با شکل منحنی کم عمق روی پایه کو		۱۱
قطر ۱۷/۲ سانتی متر	سده ۱۱ یا ۱۲ هجری اواخر سده ۱۷ یا اوایل سده ۱۸ میلادی	داخل سفید با نقاشی مرکزی کمی برجسته، ستاره های سیاه در بازوهای کبالت آبی روشن پرتوافشانی که تقسیم شده به ستاره های بیش تر، مشبک با نقشمایه های جنافی متقابل بین دونوار باریک از نقاط، لبه با چهارخط تیره متناوب	کاسه، شکل دایره با پایه عمودی کوتاه		۱۲

ارتفاع ۷/۳ قطر ۱۲/۷ سانتی متر	سده ۱۱ هجری ۱۷ میلادی	دیواره مشبک شده با طرح هندسی، قسمت بیرونی نقاشی زیر لعاب آبی و در مرکز داخل گل آبی باشاخه های کوچک گل دار با کروم سبز-سیاه و لبه باخط های سه تایی کوتاه مکرر، پوشیده بالعاب بی رنگ شفاف که مشبک ها را پر کرده است	کاسه پایه دار، شکل استوانه ای شکل کم عمق روی یک پایه گسترده		۱۳
ارتفاع ۹/۲ قطر ۲۰/۶ سانتی متر	۱۰۶۷_۱۱۴۲ هجری ۱۶۵۰-۱۷۲۵ میلادی	دیواره های مشبک با یک نوار با طرح نخل بادبزنی دوطرفه، پوشیده از لعاب شفاف که سوراخ ها را پر کرده، احتمالاً گامبرون	کاسه روی یک پایه باریک		۱۴
ارتفاع ۱۰/۵ قطر ۱۷/۵ سانتی متر	۱۰۶۷_۱۱۴۲ هجری ۱۶۵۰-۱۷۵۰ میلادی	دیواره فوقانی مشبک با خط تیره به شکل هندسی، سوراخ ها پر شده بالعاب آبی فام (مایل به آبی) سایه ای از رنگ سبز، داخل و خارج نقاشی زیر لعاب آبی و جزئیات بانقاط سیاه، احتمالاً گامبرون	کاسه پایه دار، شکل کم عمق کوتاه روی یک پایه شیپوری شکل		۱۵

نتیجه

با رجوع به پیشینه سفال گری در ایران دوره صفوی، درمی یابیم این هنر در آن زمان نه تنها جایگاه و شهرت گذشته خود را حفظ کرده بوده، بلکه در آثار ساخته شده، هم از نوع سفالینه و هم رنگ های به کار رفته تنوع بسیاری دیده می شود. سفال گامبرون در نتیجه گرایش به تنوع هنری ایجاد شده در این عصر پدید آمد. اوج ساخت این نوع سفالینه، مربوط به سده ۱۱ هجری است. سفال گامبرون که مکان ساخت آن به طور قطعی مشخص نیست، از بندر گامبرون به اروپا و سایر کشورها صادر می شده و این شهر تنها به عنوان محلی برای ارسال این دسته از سفالینه ها محسوب می شود. با مطالعه روی این ظروف درمی یابیم که از یک الگوی واحد پیروی می کنند و عناصر مشترک زیادی در آن ها دیده می شود. نتایج این پژوهش نشان می دهد:

۱- نوع سفال و تزئین: از ظروف بدل چینی سفید (بدنه سفید) که تزئینات آن شامل دو دسته است: نخست طرح هایی به صورت مشبک که بسیار ظریف کار شده، تاحدی که با پوشاندن لعاب سطح آن ها، به صورت شفاف در آمده و نور را از خود عبور می دهند. دوم، طرح ها و نقوش کنده کاری شده و نقاشی زیر لعاب که خیلی محدود با دو رنگ آبی و مشکی زیر لعاب کار شده اند. تزئینات اغلب ساده و بسیار کم است.

۲- سبک و ساختار سفالینه: معمولاً به شکل کاسه، بشقاب، بطری، کوزه و کاسه پایه دار است. مشبک ها در دیواره ظروف اجرا شده اند. نقاشی ها اغلب در مرکز داخلی ظروف و گاهی در قسمت بیرونی کاسه های پایه دار دیده می شوند. لبه بعضی از ظرف با خط های کوچک سه یا چهار تایی با فواصل یکسان، به طور متناوب نقاشی شده، که این نوع تزئین تا قبل از آن دیده نشده است.

۳- تاثیر پذیری از پیشینه سفال ایرانی: ساخت چنین بدنه هایی از قرن ها پیش از این نیز رایج بوده و مشابه سفال گامبرون در تاریخ سفال ایران دیده شده است. همان طور که در تصاویر ۱۵-۱۱ می بینیم، این ظروف مربوط به سده ۴ و ۵ هجری از شهرهای کاشان و ری، بسیار مشابه نمونه های این پژوهش هستند.



البته تفاوت‌هایی نیز بین این دو مشاهده می‌شود اما در اصل، آن‌ها با هم اختلافی ندارند. مشابه سفال گامبرون، نمونه‌های دیگری نیز کشف شده که مربوط به نایین است. این نوع ظروف همان بدنه و تزئینات را دارند که البته از نظر زمانی هم به یکدیگر نزدیک می‌باشند، با یک تفاوت که نقاشی آبی و سیاه زیر لعاب شفاف به فراوانی در این سفالینه‌ها استفاده می‌شود. این موضوع احتمال ارتباط بین نایین و محل پدید آمدن سفال گامبرون را بیش‌تر می‌کند.

۴- عرفان‌گرایی و رمزپردازی: در سفالینه‌های گامبرون نوعی حالت تامل، مراقبه و لذت عرفانی دینی نهفته است. این موضوع به دلیل طرح‌های محدود در زمینه تماماً سفید، نقش‌های ظریف و نیز شفاف برای گذر نور است. دقتی که در پرداخت تمام ظروف به کار رفته بیان‌گر اشتیاق به تکامل است.

۵- تاثیرپذیری از سفال چین: مطالعات این پژوهش نشان‌دهنده تاثیرپذیری محدود از هنرچین است که دلیل آن احساس نیاز به تنوع در سفالینه‌ها برای صادرات و کمک به خزانه شاهی براساس سیاست‌های شاه عباس است.

۶- نقش و طرح: طرح اغلب ظروف سفال گامبرون شامل اشکال گل و گیاه به رنگ‌های آبی و سیاه است. این تزئینات و نقش‌ها گاه به شکل نواری در حاشیه لبه جام‌ها یا بشقاب‌ها به حالت مشبک و یا نقش‌کنده در آمده‌اند و یا دستمایه‌های تکرار شده دور تا دور آن را فراگرفته است. گاهی نقاشی زیر لعاب همراه با مشبک کاری به کار رفته است، که در این موارد اغلب نقاشی مرکزی داخل ظرف دیده می‌شود. در نمونه‌های همراه با نقاشی، لبه‌ها با خطوط مکرر سه تایی آراسته شده‌اند. نقاشی‌ها هم در ظروف پایه‌دار در خارج ظرف، نزدیک پایه به کار رفته‌اند.

منابع و مأخذ

اقتداری، احمد، آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۴۸.

پوپ، آرتور و اکرم، فیلیس، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، جلد چهارم، نهم و دهم، زیر نظر سیروس پرهام، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷.

تاجبخش، احمد، تاریخ صفویه، ج دوم، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۷۸.

تالیوت رایس، دیوید، هنر اسلامی، ترجمه ماه‌ملک بهار، چاپ چهارم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۶. توحیدی، فائق، فن و هنر سفال‌گری، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۶.

سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، چاپ شانزدهم، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۶.

کامبخش فرد، سیف‌الله، سفال و سفال‌گری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر، ققنوس، تهران، ۱۳۸۰.

محمدحسن، زکی، تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه محمدعلی خلیلی، چاپ دوم، نشر اقبال، تهران، ۱۳۶۳.

محمدحسن، زکی، چین و هنرهای اسلامی، ترجمه غلامرضا تهامی، چاپ اول، فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۴.

ولش، آنتونی، شاه‌عباس و هنرهای اصفهان، ترجمه احمد رضا تقاء، چاپ اول، فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۵.

Fehervari, Geza, Ceramics of The Islamic World In The TAREGH RAJAB MUSEUM, I.B.Tauris&Catd, London, New york, 2000.

From, Ameer, Persian ceramics (from the collections of the Asian art museum), Asian art museum of sun Francisco, 2008.

www.collections.vam.ac.ir

www.jameelcentra.ashmolean.org

www.christies.com